

● گفتگویی با

صادق خرازی، یکی از چهار نماینده ایران در سازمان ملل

در غربت غرب

□ آقای خرازی اگر ممکن است قدری راجع به آغاز فعالیتهایتان در آمریکا صحبت کنید.

■ بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن تشکر از مجله‌ی غنی ادبستان باید به عرضتان برسانم که من یکی از چهار سفیری هستم که در سازمان ملل متحد فعالیت می‌کنند. حتماً بعضی از کسانی که با تشکیلات سازمان ملل متحد آشنایی ندارند، با تعجب از خود خواهند پرسید که چرا ایران چند سفیر در سازمان ملل دارد. در جواب باید عرض کنم که ما در سازمان ملل يك سفیر و نماینده دائم و ثابت داریم و چهار سفیر علی‌البدل و متغیر. کار من هم مربوط به کمیته خلع سلاح سازمان ملل می‌شود. اما در واقع این کار را در کنار دیگر فعالیتهای خود قرار داده‌ام و بیشتر به کارهای فرهنگی مشغولم، که در آمریکا بستر پهنآوری برای عرضه آن وجود دارد.

کار، کار بسیار عظیمی است. در واقع اگر بخواهیم در پیکره‌ی فرهنگی جامعه آمریکا وارد شویم، باید مخاطبین خود را در این جامعه به سه دسته تقسیم کنیم: مخاطبین اول ما جامعه ایرانی هستند که در آنجا زندگی می‌کنند و بالغ بر يك میلیون نفرند. (البته طبق آمار امریکائیان این جامعه ایرانی از يك بافت بسیار پیچیده‌ای درست شده است).

مخاطبین دوم ما مسلمانان هستند که در آنجا قریب ۹ میلیون نفر مسلمان داریم. البته آمار رسمی مسلمانان در آمریکا حدود ۷ میلیون نفر است. اما براساس استدلالهایی که جامعه مسلمان در آنجا دارند، رقم ۹ میلیون نفر را واقع‌بینانه‌تر می‌دانند. نزدیک به ۵ میلیون نفر از این مسلمانان، مسلمانهای مهاجری هستند که از کشورهای خاورمیانه و خاور دور به آنجا آمده‌اند و قریب چهار میلیون نفر آنها هم سیاهپوست هستند. همچنین يك میلیون و هشتصد هزار شیعه در آمریکا زندگی می‌کنند، که برای اشاعه فرهنگ اسلامی بالقوه به اصطلاح پتانسیلهای عظیمی را تشکیل می‌دهند.

جامعه‌ی امریکا با ویژگیهای مشخص فرهنگی‌اش حل شود، و هم می‌شود با برنامه‌ریزی و ارائه‌ی سیاستهای مناسب فرهنگی، به این خیل عظیم که در میان آنها نیروهای منحصر به فردی یافت می‌شود، به چشم سرمایه‌های ملی کشور نگاه کرد. حتی اگر بادی صرفاً مادی هم به مسأله بنگریم، طبق يك محاسبه روشن و ساده، هزینه‌ای که صرف تعلیم و آموزش این قبیل نیروها شده و نیز میزان بازدهی اقتصادی آنها در کل اقتصاد امریکا - یا هر کشور دیگری که در آن به کار بردازند - مسلماً از بعضی آثار یا ارزش هنری که برای فروش به موزه‌های جهان از کشورمان به بیغما می‌روند، کمتر نیست. مسلماً افراد مورد نظر در این بحث شامل آن دسته از به اصطلاح ایرانیان بی‌وطن بی‌تهمدی که به هیچ چیز جز منافع شخصی نمی‌اندیشند، نمی‌شود. بلکه سخن از عناصر و نیروهایی است که - به هر تقدیر - در حال حاضر در امریکا و اروپا زندگی می‌کنند و برای بازگشت به وطن و ارائه خدمات خود به هموطنانشان بی‌میل نیستند...

آنچه را که در زیر می‌خوانید گفتگویی ادبستان با صادق خرازی یکی از چهار نماینده ایران در سازمان ملل متحد است که پیرامون همین موضوع انجام شده است.

اشاره

بیش از يك میلیون ایرانی و نه میلیون مسلمان در امریکا زندگی می‌کنند. در میان این چند میلیون نفر، مسلماً علایق مشترك مذهبی و ملی فراوانی با ملت ایران وجود دارد. جامعه ایرانیان مقیم امریکا با مسایل و مشکلات خاصی مواجهند که بخشی از آنها را می‌توان با ارائه سیاستهای مناسب فرهنگی حل کرد و آنها را برای بازگشت به کشور ترغیب نمود.

طبق آمار منتشره «جامعه ایرانی مقیم امریکا» در مقایسه با مردم سایر کشورهایی که در امریکا زندگی می‌کنند، باسوادترین، متخصص‌ترین و ثروتمندترین ملت را تشکیل می‌دهند. حضور پنج هزار پزشک متخصص درجه يك و صدها استاد دانشگاه در امریکا گواهی بر این مدعاست.

«جمهوری اسلامی ایران» به عنوان خاستگاه انقلاب اسلامی و مهد فرهنگ و فلسفه و هنر غنی ایرانی - اسلامی تاکنون برای ایجاد ارتباط و جذب این قبیل نیروهایی که خواه ناخواه از يك سو به ملت و کشور خود مدیون هستند و از سوی دیگر هنوز رشته علایق و دلبستگیهای آنان با وطنشان قطع نشده، چه کرده است؟ می‌توان این يك میلیون ایرانی را رها کرد تا اندک اندک در

دسته سوم مخاطبین ما، افکار عمومی جامعه غرب جامعه‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم. در جامعه‌ای که تا حد معینی دمکراسی هم در آن پدید می‌آید، افکار عمومی نقش زیادی در تصمیم‌گیریها و کارها دارد و ما باید تصویر ناصوابی به وسیله تبلیغات منفی دنیای غرب از انقلاب اسلامی درآذهای جای گرفته است، تغییر بدهیم و لاجرم آن را اصلاح کنیم. به نظر من ما اول باید افکار عمومی را روشن سازیم و بعد برویم سراغ افکار میانی. البته بر افکار جامعه غرب هم می‌توانیم تأثیر داشت. این وظیفه ملی - اسلامی ماست.

□ از مخاطبین اول شروع می‌کنیم: ایرانیها. گفتید ب یک میلیون نفر ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. همان خصوصیات پیچیده و حتی به نظر ما مثبت‌های غلط، که شاید کارکردن روی آنها سخت‌تر از کارکردن روی جامعه آمریکا باشد. با این حال نکات این جامعه ابعاد گوناگونی دارد. یکی از این نکات می‌تواند آموزش زبان فارسی به نسل جدید ایرانی در آمریکا باشد. وضع آموزش زبان فارسی در آمریکا و دانشگاه‌های آمریکا چگونه است؟

■ فکری که قبل از همه باید راجع به ویژگیهای ایرانی در آمریکا چند کلمه‌ای صحبت کنیم. طبق ما در جامعه ایرانی، دو نسل هستند: نسل اول و نسل دوم. نسل دوم برای ما حائز اهمیت بیشتری است. نسل دوم جامعه ایرانی در آمریکا از نظر فرهنگی کاملاً اضمحلال است.

ایرانیانی که قبل از انقلاب به آنجا رفته‌اند، در آنجا برای خود شغلی دارند و مشغول زندگی هستند. بخش دیگر کسانی هستند که بعد از انقلاب از آنجا خارج شده‌اند و در آنجا زندگی می‌کنند. نسل جوان مردم ما فکر می‌کنند هر کسی که خارج از ایران زندگی می‌کند، مخالف انقلاب یا ضدانقلاب است و با انقلاب سرسازش ندارد. من بنا به تجربه‌ای که طول زندگی‌ام در آنجا کسب کرده‌ام، مخالف این دیدگاه هستم.

□ چه مدت است که در آمریکا زندگی می‌کنید؟
■ الان یک سالی می‌شود که در آنجا هستم و مردم عرق ملی و ویژگیهای میهن دوستی جامعه ایرانی در آنجا خیلی بالاست.

□ احتمالاً غربت هم تشدیدش کرده است...
■ بله غربت هم تشدیدش می‌کند. مضافاً اینکه غربت ما ایرانیها...

□ بله، جزء لاینفک فرهنگ ما همین حب وطن، عشق به وطن است.

■ بله «حب الوطن من الایمان» که می‌گویند درست است دیگر. نسل دوم جامعه ایرانی متأسفانه به واسطه عدم حضور نهادهای فرهنگی (بخاطر استراتژیکی ما با دولت آمریکا) از معارف و آداب واقعی فرهنگ غنی ایران و اسلام به دور مانده‌اند. و حتی ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی را هم فراموش کرده‌اند. آنها حتی در تکلم فارسی، در خواندن زبان فارسی و در ارائه مطلب در زبان دچار مشکل هستند. و حتی فراتر از آن، آن‌ها آنقدر مسیحیت گرایش پیدا کرده‌اند. البته تا اندازه‌ای ولی به هر حال نشانه‌هایی

دید شده است. من معتقدم پس از سقوط مارکسیسم، مذهب و مکاتب الهی کماکان محملی بودند برای ارائه اندیشه‌های والای انسانی. متأسفانه ما در این زمینه در خارج از کشور فعالیت بسیار کمی داشته‌ایم و بنابراین باید بیشتر و بهتر کار کنیم. ما باید برای این نسل دوم برنامه‌ریزی کنیم تا زبان فارسی و ادبیات فارسی و زبان مادریشان از آنها گرفته نشود. اخیراً جامعه ایرانی یک شورای گسترش زبان فارسی در آمریکا تشکیل داده است.

□ خود ایرانیها به تنهایی؟ یا چند تن از آنها با همکاری نماینده‌های ما در سازمان ملل؟

■ خود ایرانیها این شورا را تشکیل داده‌اند. البته ما آنها را تشویق و ترغیب می‌کنیم. ولی ما مأموریتمان موقت است و پس از مدتی به ایران برمی‌گردیم. اینها خودشان هستند که باید در آنجا زندگی کنند، کار کنند و در عین حال مفاهیم و معارف فرهنگ خودشان را هم فراموش نکنند. یک شورای گسترش زبان فارسی تشکیل شده و با موافقت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر امور خارجه قرار بر این شد که ما همه امکاناتمان را در اختیار این شورا بگذاریم.

□ این شورا تا به حال چه کارهایی انجام داده است؟

■ تازه تشکیل شده است.

□ یعنی تا به حال هیچ کاری نکرده است؟ حتی برای آموزش زبان فارسی به بچه‌های دبستانی هم اقدامی صورت نگرفته؟

■ الان چهار مدرسه ایرانی در آمریکا وجود دارد. □ در کدام شهرها؟

■ در واشنگتن، نیویورک، هوستون و لس‌آنجلس. □ قطعاً خیلی کم است.

■ قریب ۲۲ مرکز ایران شناسی در دانشگاه‌های

آمریکا وجود دارد که دپارتمان تدریس زبان فارسی دارند. مثلاً دپارتمان زبان فارسی دانشگاه کلمبیا که یکی از معروفترین دانشگاه‌های جهان است، بسیار فعال است. و تا مقطع لیسانس و فوق لیسانس دانشجویان می‌پذیرد. تعداد زیادی مدرسه هم به طور خودجوش به وجود آمده است. این مدارس تحت نظارت ایرانیها، بدون هیچ گونه ارتباط با وزارت آموزش و پرورش تشکیل شده است. سه چهار تا مدرسه هم هست که بنیاد مستضعفان و دستگاه‌های ایرانی در آنجا برپا کرده‌اند. اخیراً هم در «نیوجرسی» یک مدرسه دایر شده است. مهم این است که ما این مدارس را تغذیه کنیم و جامعه ایرانی را تشویق کنیم که به تاسیس مدارس ایرانی بپردازد. مثلاً الان وزارت ارشاد یک نوار آموزش زبان فارسی تولید کرده (هم نوار کاست و هم نوار ویدئو) که ما در آمریکا تکثیرش می‌کنیم و به مراکز خاورشناسی می‌دهیم. بنده خودم با مسئولین بعضی از این دپارتمانها ملاقات داشته‌ام و کتابهایی را که بعد از انقلاب چاپ شده برایشان می‌فرستم. آقای پرفسور رضا هم به عنوان مسئول شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی انتخاب شده‌اند.

پرفسور رضا از جمله شخصیت‌های فرهنگی کشور ماست. و من تصور می‌کنم که این جریان خوبی است که انشاءالله باید دنبال شود. و باید آن را به فال نیک گرفت.

■ اخیراً دانشگاه‌ها رو آورد آمریکا پس از ۲۸ سال فعالیت مداوم توسط یک هیئت ۴۰ نفره، ترجمه شاهنامه فردوسی را به پایان رسانده است.

■ آقای شجریان که به حق یکی از پیش‌کسوتان و از پایه‌گذاران موسیقی سنتی در دوران معاصر هستند، در ۱۷ یا ۱۸ ایالت آمریکا برنامه اجرا کردند و بساط موسیقی مطربی و مبتذل را در جامعه ایرانی برچیدند.

کار دیگری که ما در زمینه گسترش زبان فارسی انجام داده‌ایم، شناسایی حدود ۷۵ نفر از استادان زبان و ادبیات فارسی است و شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی کنفرانسی در اوایل سال آینده در آمریکا برگزار خواهد کرد. و من تصور می‌کنم که این شروع بسیار خوبی باشد. ما در نظر داریم برنامه‌های بهتری انجام بشود. مثلاً یک شبکه تلویزیونی برای ایرانیها در اواخر اسفند یا آون فروردین به مناسبت سال نو تاسیس می‌شود. در یکی از شهرهای آمریکا، یکی از برنامه‌های تلویزیون، تدریس زبان فارسی است که برنامه خیلی مناسبی است.

□ برنامه‌های دیگر این شبکه تلویزیونی چیست؟

■ آنها را بعداً در بحث مربوط به «تلویزیون» نقل می‌کنم.

□ پس می‌توان گفت که کار هنوز سازماندهی نشده است؟

■ بله تازه آغاز کار است.

□ این پراکندگی مسلماً در آغاز هر کاری طبیعی است. آیا شما آینده این فعالیتها را خوب می‌بینید؟

■ من آینده را خوب می‌بینم. اگر فعالیت خیلی خوب باشد و جمهوری اسلامی کمک بکند، فرهنگ اسلامی در آنجا رونق خواهد گرفت.

□ آیا دولت بوجه‌ای برای این کار در نظر گرفته؟

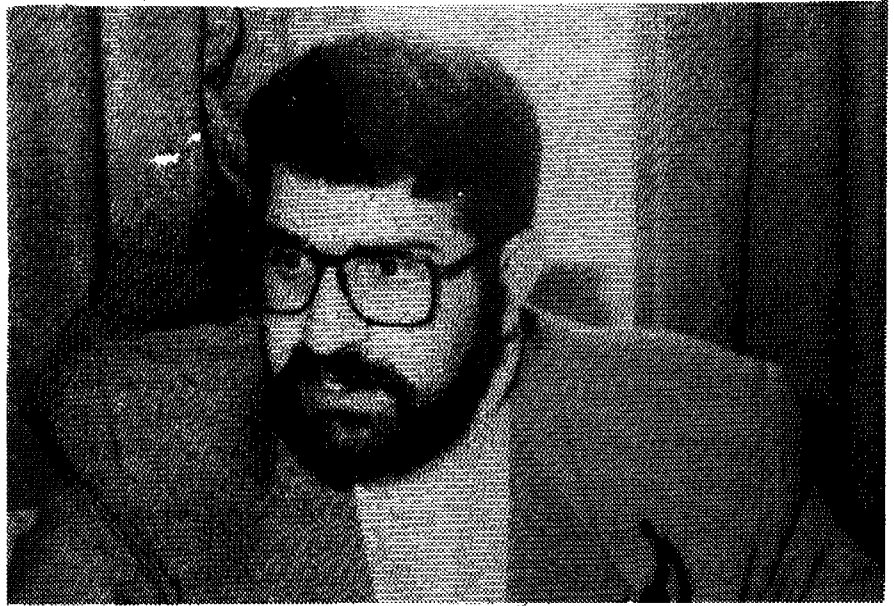
■ هم آقای دکتر ولایتی و هم آقای دکتر خاتمی قول داده‌اند که امکاناتی در اختیار ما بگذارند.

□ در خصوص ترجمه آثار ادبیات زبان فارسی به زبان انگلیسی چه کارهایی انجام داده‌اید؟

■ ببینید! یکی از دردهای بزرگ ما این است که ما بنیان‌گذار فلسفه شرق بوده‌ایم و بنیانگذار فلسفه اسلامی بوده‌ایم، ولی کوچکترین اثری از عظمت این کار در دانشگاه‌های غرب پیدا نمی‌شود. الان شما سری به دانشگاه‌های آمریکا بزنید و یا به کتابخانه کنگره آمریکا بروید (که بزرگترین کتابخانه جهان

■ در حال حاضر پروفیسور
حامد الگار به همراه چند تن
دیگر مشغول ترجمه
تفسیرالمیزان به انگلیسی
هستند.

■ پس از سقوط مارکسیسم،
مذهب و مکاتب الهی کماکان
محملی بودند برای ارائه
اندیشه‌های والای انسانی -
متأسفانه مادر این زمینه در
خارج از کشور، فعالیت
بسیار کمی داشته‌ایم.



مشغول ترجمه تفسیرالمیزان هستند.
اخیراً در دانشگاه هاروارد آمریکا پس از ۲۸ سال
فعالیت مدام یک هیئت ۴۰ نفره، ترجمه شاهنامه
فردوسی را به پایان رسانده است. و تمام داستانهای
شاهنامه در دو جلد فطور منتشر می‌شود. برنامه‌ای در
دست اجرا است که چنین کارهای فرهنگی مورد
حمایت قرار بگیرد و سازمان‌دهی شود.
□ برای شناسایی و جذب استادان ایرانی در آمریکا
که از نظر علمی در سطح بالایی هستند، چه کارهایی
صورت گرفته است؟

■ وزارت خارجه آمریکا هر سال آمار مختلفی از
وضع ملیتهای گوناگونی که در جامعه آمریکا حضور
دارند، ارائه می‌دهد. بنا بر این آمار، سال گذشته اعلام
شد که ثروتمندترین و باسوادترین ملت در آمریکا،
ایرانیها هستند. حال خودتان حدیث مفصل بخوانید
از این مجمل. بیش از ۵ هزار پزشک ایرانی در آمریکا
وجود دارد، آن هم با تخصصهای بسیار بالا. که اینها
واقعا سرمایه‌های ملی مملکت ما هستند. استادان
بسیار زیادی در علم اقتصاد، کامپیوتر، برنامه‌ریزی،
مکانیک، برق، علوم سیاسی و علوم انسانی وجود دارند
و شناسایی هم شده‌اند. مثلاً به مناسبت عید سال
گذشته یک برنامه‌ای گذاشتیم و از جامعه ایرانی برای
شرکت در یک مهمانی دعوت کردیم. آقای دکتر
خرازی هم تشریف آورده بودند. نزدیک به سیصد،
چهارصد نفر از ایرانیها هم آمدند. خیلی‌ها احساساتی
شده بودند و گریه می‌کردند و می‌گفتند بعد از انقلاب
کسی به سراغ ما نیامده است، وقتی که آقای دکتر
ولایتی به نیویورک آمدند، باز هم یک برنامه‌ای گذاشتیم
و از ۳۳۷ نفر از پزشکان منطقه نیویورک و نیوجرسی و
منطقه شمال شرقی آمریکا دعوت کردیم. از این
سیصد و سی و هفت نفری که دعوت کردیم، تنها
سیزده نفر به خاطر مشکلاتی که داشتند، نتوانستند
بیایند. محافل از این قبیل نشان می‌دهد که تأثیر
فرهنگی کار و همین‌طور علائق ایرانیهای مقیم آمریکا
تا چه حد است... وقتی آقای دکتر نوربخش وزیر
اقتصاد و دارایی و دکتر عادل رئیس کل بانک مرکزی

است) ولی یک دانه کتاب هم پیدا نمی‌کنید که مثلاً از
صدرالمآلهین، خواجه نصیرالدین طوسی یا از
فارابی و یا ابن سینا باشد. غریبها فقط فلسفه و علم
خودشان را در حال حاضر در دانشگاهها تبلیغ می‌کنند.
از جمله کارهایی که در این خصوص در آمریکا شروع
شده است، تشکیل یک انجمن بین‌المللی فلسفه است
که چند تن از استادان دانشگاه هاروارد و تنی چند از
انجمن حکمت و فلسفه در ایران هم در آن حضور دارند
و مشغول ترجمه چهار رساله خواجه نصیرالدین
طوسی، یک رساله فارابی و یک رساله ملاصدرا به
انگلیسی هستند.

یکی از این استادان پرفیسور محسن مهدی است.
او یکی از استادان بزرگ «هاروارد» است. پرفیسور
مروج هم هست. این کتابها پس از ترجمه قرار است در
پنج هزار نسخه چاپ بشود.
□ کدامیک از آثار این بزرگان در دست ترجمه
است؟

■ قضا و قدر عنوان چهارساله خواجه نصیر
است. آراء المدینة الفاضله، مقاله فارابی است که از
آثار محکم و متفن فلسفی ماست. المشاملاصدرا هم
کتابی ۹۰ صفحه‌ای است که آن هم در دست ترجمه
است. من تصویری کنم که تا پایان سال، دو نسخه از
این کتابها منتشر بشود. کار بسیار قوی و غنی‌یی
است و قرار است این کارها ادامه پیدا کند. همه
مسئولین فرهنگی کشور هم این کار را تأیید می‌کنند.
□ پس فعلاً فقط به ترجمه بعضی از آثار فلسفی به
زبان انگلیسی اکتفا شده است. آیا در معرفی ادبیات
کهن و معاصر فارسی به جامعه آمریکا اقدامی صورت
گرفته است؟

■ نه، هنوز کاری صورت نگرفته، البته
دانشگاههای مختلف این کار را انجام می‌دهند، و ما
هم کمکشان می‌کنیم. مثلاً پرفیسور «کلین تون» داستان
«رستم و سهراب» را ترجمه کرده و بنیاد مستضعفان
برای ترجمه خیلی از کتابهای ادبی به انگلیسی
قراردادهایی با مترجمین امضاء کرده است. در حال
حاضر پرفیسور حامدالگار به همراه چند نفر دیگر

برای شرکت در اجلاس بانک جهانی به نیویورک
آمدند. آقای دکتر ولایتی هم برای شرکت در اجلاس
مجمع عمومی در نیویورک بودند، ما از چند دک
اقتصاد که اهل ایران و مقیم آمریکا بودند، برای
شرکت در جلسه دعوت کردیم. آقای دکتر نوربخش
دکتر عادل و دکتر ولایتی هم در این جلسه حض
داشتند و دکتر نوربخش و دکتر عادل به توض
برنامه‌های اقتصادی دولت در برنامه ۵ سال
پرداختند. تأثیر این سخنان به قدری زیاد بود که ۱۹
از این دکترها که در واقع علمای علم اقتصاد بودند
در دانشگاههای آمریکا تدریس می‌کردند، خواست
بازگشت به ایران شدند.
جامعه ایرانی در آمریکا دارای عرقی ملی است. و
برابر ایران احساس و طیفه می‌کند. مثلاً در همین زلز
آخر، بچه‌های انجمن اسلامی، بچه‌های ایرانی
جامعه متخصصین و خلاصه هر ایرانی که در آنجا
حضور داشت، واقعا تلاش می‌کرد به نحوی از انج
خدمتی و پاکمکی بکند. احساسات ایرانیها در امر
بسیار جریحه‌دار شده بود. و حدود یک میلیون
سیصد هزار دلار پول برای زلزله‌زده‌ها جمع کردند.
□ آیا فکر می‌کنید در جهت بخشی و هدایت ایر
احساسات تاکنون به درستی عمل شده است. و
شاید هم هنوز نمی‌توان قضاوت کرد؟
■ من احساس می‌کنم که ما دستمان را در
کردیم و جامعه ایرانی دست ما را فشرده است. البته
باید بگویم دیدگاهی در داخل کشور نسبت
ایرانیهای مقیم خارج از کشور وجود دارد و آن این
گمان می‌کنند، هرکس که در ایران کار بکند و زندگی
کند از ماست و هرکس که در خارج از کشور باشد،
مانیست. این تزه تراشگاهی است. به نظر من، ما ا
در چارچوب منافع ملی کشورمان کار بکنیم، باید به ای
واقعت بیندیشیم که ما به طور صددرصد تعیین کنند
نیستیم و نمی‌توانیم بگویم که چه کسی در کجا با
زندگی کند؟ البته باید تسهیلاتی فراهم کنیم تا همه
ایران بازگردند. و ایران با اغوش باز، هر نیرو و
فرزانه‌ای را و هر ایرانی‌یی را می‌پذیرد. اما مهم برائ

ما. ارتباط با جامعه ایرانیان است. مثلاً پزشکی که ۳۰ سال است در آنجا زندگی کرده، ازدواج کرده و بچه دار شده و بچه هایش هم آنجا درس می‌خوانند و اشتغالات اجتماعی دارند. باید بتواند سالی یک ماه به ایران بیاید و کنفرانس علمی بگذارد و یا فرضاً جراحی بکند. کنفرانس پزشکی داشته باشد و به بیمارستانهای مختلف برود. وزارت بهداشت و درمان در این زمینه به خوبی با ما همکاری می‌کند.

الآن تصور می‌کنم که اگر فعلاً از این شیوه‌های «خدمت کوتاه مدت» استفاده کنیم، موفق خواهیم بود تا اینکه بخواهیم این نیروهای متخصص را برای همیشه جذب کنیم.

□ برای آگاهی دادن به جماعت ایرانی از طریق تلویزیون چه کارهایی انجام شده؟ در این مورد به آموزش زبان فارسی اشاره‌ای کردید، ولی کلاً برای آگاهی ایرانیان مقیم آمریکا از مسائل فرهنگی جامعه ایران چه اقداماتی صورت گرفته است؟

□ این نیازی بوده که جامعه ایرانی خودش حس کرده و الآن عده‌ای از ایرانیان مشغول گرفتن يك کانال تلویزیونی هستند و می‌خواهند برای دوازده شهر در آمریکا برنامه داشته باشند. جامعه ایرانی به این واقعیت رسیده است که باید فرهنگ دیرینه و سنتی خودش را عرضه کند مثلاً موسیقی سنتی اش را که فراموش شده بود، بیاید و به جامعه‌اش نشان بدهد. یا فیلمها و سریالها و زبان و ادبیات فارسی را در قالب يك برنامه جالب ارائه کند.

□ با همکاری شما؟

□ ما هر کمکی از دستمان برآید دریغ نمی‌کنیم. اما مهم این است که این کار به طور خودجوش در حال انجام است و آنها می‌خواهند هفته‌ای سه - چهار شب برنامه تلویزیونی داشته باشند. مثل آموزش زبان فارسی، نمایش فیلم و سریال و اجرای موسیقی و یا نمایش مناظر زیبا و دیدنی ایران و خلاصه بخش اخباری از ایران.

به هر حال رشته‌ای است برای پیوندی دوباره....

□ در زمینه نشر روزنامه و مجله چه طور؟

□ در آمریکا در این رابطه حدود ۱۰۸ مجله منتشر می‌شود. اخیراً جمعی از استادان دانشگاه هاروارد مجله‌ای تحت عنوان ادبیات و مسائل فرهنگی ایران منتشر کرده‌اند که می‌گویند مجله بسیار جالبی است. البته من فقط نام این مجله را شنیده‌ام و فکر می‌کنم نشر چنین مطالبی گام بسیار مؤثری در شناساندن سنت باستانی و فرهنگ دیرینه ایران باشد.

□ صحبت از موسیقی به میان آمد. اخیراً استادان موسیقی ایران و همین طور استاد شجریان به آمریکا سفر کرده بودند و برنامه‌هایشان هم با استقبال شدید ایرانیان مواجه شد. در شناساندن موسیقی سنتی به نسل جدید ایرانی و حتی جامعه آمریکا تا چه حد موفق بوده‌اید؟

□ به نظر من مسائل فرهنگی و هنری تا اندازه‌ای باید جدای از مسائل دولتی و سیاسی تحلیل شود. هنرمند همیشه باید از این نظر آزاد باشد یعنی از طرف مراکز دولتی نباید او را تحت فشار گذاشت. الحمدلله خود آقای شجریان که به حق یکی از پیش‌کسوتان و از پایه‌گذاران موسیقی سنتی در دوران معاصر هستند،

و من برایشان احترام ویژه‌ای قائل هستم در ۱۷-۱۸ شهر برنامه اجرا کردند و با اجرای این برنامه‌ها بساط موسیقی مطربی و مبتدل را در جامعه ایرانی برچیدند. و توانستند موسیقی ما را که موسیقی عرفانی است و بیانگر رابطه عمیق بین انسان و حضرت بارئتمالی است، عرضه کنند. ابراز احساسات جمعیت ایرانی در این مراسم بسیار زیاد بود. من خودم یکی از این برنامه‌ها را در نیویورک دیدم. و بودند کسانی که آنقدر به ذوق و شغف آمده بودند که گریه می‌کردند. این جور برنامه‌های خودجوش، برنامه‌های بسیار خوبی است و باید انجام بشود. ما هم هر کاری از دستمان بریاید، انجام می‌دهیم.

□ آیا در زمینه نمایش فیلم هم فعالیت‌ها خودجوش بوده است؟ آخر استقبال از فیلمهای ایرانی در آمریکا بیشتر از سایر کشورها بوده...

□ دقیقاً همینطور است. همین امسال در ایالت کالیفرنیا، جشنواره فیلمهای ایرانی برگزار شد و این برنامه چنان مورد استقبال قرار گرفت که چندین هزار نفر پشت درهای سینما صف بسته بودند، حتی کسانی که با انقلاب ما سردشمنی داشتند، اعتراف کردند که صنعت سینما پس از پیروزی انقلاب در ایران تکامل یافته است. در واقع بعد از انقلاب تمام استعدادهای نهفته عیان شده است. آن زمان همیشه ما در فیلمسازی حالت مونتاژ داشتیم. خدا را شکر که سیاستگذاران فرهنگ و هنر کشور ما به ویژه وزارت ارشاد اسلامی بسیار خوب عمل کردند. جای تشکر و قدردانی از دستگاه وزارت ارشاد و بخصوص آقای خاتمی است که نسبت به مسائل نگاهی هنری دارند. الآن هر از چندگاهی معمولاً يك فیلم سینمایی ایرانی در بعضی از شهرهای آمریکا نمایش داده می‌شود. مثلاً ما خودمان در سازمان ملل متحد فیلم «خانه دوست کجاست» را با زیرنویس انگلیسی نمایش دادیم که ۲۰۰ نفر از سفرا و ۳۵۰ نفر از خبرنگاران خارجی هم برای تماشای این فیلم آمده بودند. این اثر، اثر بسیار زیبایی فرهنگی - هنری کشور ما است که از تکنیک بالایی سینمایی برخوردار است. برای بینندگان واقعاً تازگی داشت.

□ آقای خرازی، یکی از مظاهر برجسته‌ی هنر ما نقاشی است، آن هم نقاشی ایرانی. متأسفانه به علت فرهنگ غلطی که در زمان رژیم پهلوی حاکم بوده، همه بدون مطالعه و کورکورانه به سوی سبکهای غربی کشیده می‌شدند. در صورتی که در واقع بسیاری از جدیدترین سبکهای هنر غربی متأثر از سبکهای نقاشی ما بوده است. اگر ممکن است در مورد برگزاری نمایشگاههای نقاشی ایرانی و بخصوص کارهای مینیاتور در آمریکا توضیح دهید.

□ تعدادی از هنرمندان نقاش ایرانی در حال حاضر در آمریکا زندگی می‌کنند. سبک نقاشی ایرانی همواره در محافل آکادمیک آمریکا مطرح بوده و هست. استادهاى فرزانه‌ای هم در آنجا هستند. و فرزانه‌ترین استاد نقاشی ایرانی، استاد محمود فرشچیان هنرمند نقاش معاصر که خود يك عارف است در آمریکا زندگی می‌کند. الان ما با ایشان ارتباط داریم و همواره سر تعظیم در مقابل استادانی از این قبیل فرود می‌آوریم. مهم این است که خود این هنرمندان عزیز ما در آنجا

۱۹ پروفسور ایرانی در علم اقتصاد بعد از شنیدن صحبتهای دکتر نوریخش خواهان بازگشت به ایران شدند

انجمن بین‌المللی فلسفه که اخیراً با همکاری دانشمندان ایرانی در دانشگاه هاروارد تشکیل شده مشغول ترجمه بعضی از آثار ملاصدرا، خواجه نصیر و فارابی به انگلیسی است.

فعالیت داشته باشند. اخیراً شنیده‌ام که دکتر منصوری و عده‌ای از استادان هنری ایران در نقاشی و گرافیک می‌خواهند نمایشگاهی در مرکز هنری لینکلن در نیویورک برگزار کنند. تماشایی هم با بعضی از نقاشها گرفتیم تا نمایشگاه نقاشی برپا کنند و نقاشیهای آبرنگ، مینیاتور و... را در این نمایشگاه عرضه کنند. آقای فرشچیان هم مشغول چاپ آلبومی از کارهای خود است. کار، کار بسیار نفیس و قوی‌یی است که در نوع خودش بی‌نظیر است. البته يك آلبوم دیگر هم ایشان قبلاً چاپ کرده‌اند. هنرمندان ما در حال حاضر به خوبی نقاشی ایرانی را به جامعه آمریکا معرفی می‌کنند. و باید از آنان تشکر و سپاسگزاری کرد. هنرمندان نقاش ایرانی در آمریکا جزو سرمایه‌های ملی ما محسوب می‌شوند.

□ ایرانیان مقیم آمریکا چگونه از نشریات و کتب منتشره در ایران کسب اطلاع می‌کنند؟

□ این ارتباط خیلی کم است و ما درصدد هستیم که این قبیل ارتباطات را زیاده‌تر کنیم.

□ مسلماً در حد آشنایی با فهرست نشریات و کتب منتشره در ایران، شما می‌توانید بسیار متمرثر باشید. چون ایرانیها پس از اطلاع از فهرست اسامی این نشریات، می‌توانند خودشان برای اشتراك اقدام کنند.

□ اتفاقاً يك مرکز نشر و انتشار کتاب در لس آنجلس و واشنگتن و نیویورک وجود دارد و ما با این مراکز تماس گرفتیم تا تمام کتابها و نشریات منتشره در ایران را وارد کنند. البته بخشهای خصوصی هم وجود دارند که این کار را انجام می‌دهند. درست است که در جهت اصول و منافع شخصی شان کار می‌کنند، ولی این کار برای اشاعه فرهنگ ایران هم موثر است. اخیراً مؤسسه‌ای در نیویورک توسط عده‌ای از این هنرمندان و استادان علم و ادب ایرانی به راه افتاده که می‌تواند بسیار خوب عمل کند. و می‌تواند با تمام دانشگاهها و کتابخانه‌ها ارتباط داشته باشد.

□ با تشکر از شما اگر صحبت خاصی دارید، ما منتظر شنیدنش هستیم.

□ فکر می‌کنم هر چه گفتنی بود، گفتیم! متشکرم.